



جوابیه

جوابیه مرکز آمار ایران به گزارش «فرهنگیختگان»

روزنامه «فرهنگیختگان» در گزارشی به بررسی وضعیت اقتصاد پروتئین در ایران پرداخته بود که مرکز آمار ایران جوابیه‌ای به شرح زیر به روزنامه ارسال کرده است. متن کامل این جوابیه عیناً در ادامه درج می‌شود.

«با گذشت به انتشار گزارش تحلیلی از «اقتصاد پروتئین در ایران» در روزنامه وزین «فرهنگیختگان» در تاریخ ۹۹/۶/۳ پاره‌ای از نکات علمی و فنی در رابطه با موضوع برای تکمیل و انتشار مطلب فوق، به شرح زیر ارسال می‌شود. ۱- عنوان تحلیل اشاره به بازگشت مقدار مصرف گوشت به آمار دهه ۷۰ دارد در حالی که نتیجه تحلیل اشاره به افزایش قیمت و مصرف فرآورده‌های گوشتی دارد ۲- در متن اشاره به مقایسه آمار مصرف گوشت در ایران و جهان شده است که مصرف گوشت در ایران کمتر از ۱۲ کیلوگرم اعلام شده و سرانه مصرف گوشت فرمز و سفید در جهان ۴۱ کیلوگرم است. مشخص نیست در آمار اعلام شده برای ایران کل مصرف گوشت (شامل قرمز و سفید) بوده یا فقط گوشت قرمز، طبق محاسبات انجام شده سرانه مصرف گوشت قرمز و گوشت سفید در ایران در سال ۱۳۹۷ به ترتیب معادل ۸/۹ و ۱۹/۲ کیلوگرم بوده است (براساس طرح هزینه و درآمد خانوار، آمارگیری دامداری و کشتار دام کشتارگاه‌های کشور). ۳- در این تحلیل در بندی که به میزان تقاضای گوشت قرمز در داخل پرداخته است آمارهای ارائه شده براساس آمار گوشت عرضه شده در کشتارگاه‌های رسمی کشور می‌باشد در حالی که آمارهای حاصل از طرح آمارگیری دامداری نشان می‌دهد که حدود ۲۰ تا ۴۰ درصد از دام‌های سبک (گوسفند و بره، بز و بزغاله) و حدود ۱۰ درصد از دام سنگین (که عمدتاً گاو و گوساله می‌باشد) در خارج از کشتارگاه‌های رسمی کشتار می‌شود. همچنین باید آمار واردات انواع گوشت در سال‌های اخیر به غیر از دام زنده وارداتی (به دلیل اینکه اکثریت این دام‌ها در کشتارگاه کشتار می‌شوند) را به این مقدار اضافه کرد. لذا به نظر می‌رسد برای رسیدن به نتیجه بهتر لازم است علاوه بر تعداد دام کشتار شده در کشتارگاه‌ها، تعداد دام‌های پرورشده که خارج از کشتارگاه‌ها، کشتار شده‌اند و همچنین مقدار واردات گوشت قرمز در نظر گرفته شود. برای درک بهتر مطلب ارائه شده پیشنهاد می‌شود نگاهی اجمالی به نتایج حاصل از طرح‌های مرتبط با این آمارها که در مرکز آمار ایران اجرا شده است، داشته باشیم. مقایسه نتایج فصلی طرح آمارگیری اندازه‌گیری تغییرات دام سبک و کشتار دام کشتارگاه‌های کشور در فصل‌های پاییز و زمستان سال ۱۳۹۸ و فصل بهار ۱۳۹۹ بیانگر این است در حالی که تعداد دام سبک عرضه شده برای کشتار توسط دامدارها ۹۹۳۲ هزار راس بوده است تعداد دام کشتار شده در کشتارگاه‌های کشور ۶۰۴۵ هزار راس بوده است که نشان می‌دهد حدود ۶۱ درصد دام سبک عرضه شده برای کشتار، در کشتارگاه‌ها ذبح شده‌اند که این سهم در سال‌های قبل حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد بوده است و همچنین مقایسه نتایج فصلی طرح آمارگیری اندازه‌گیری تغییرات دام سنگین و کشتار دام کشتارگاه‌های کشور در فصل‌های زمستان سال ۱۳۹۸ و فصل بهار ۱۳۹۹ نشان می‌دهد تعداد گاو و گوساله پرورشده توسط دامدارها ۷۳۸ هزار راس بوده است که تعداد کشتار شده در کشتارگاه‌های رسمی ۴۴۹ هزار راس بوده است. این نتایج نشان می‌دهد حدود ۶۱ درصد گاو و گوساله در کشتارگاه‌ها ذبح شده‌اند در حالی که در سال‌های قبل حدود ۹۰ درصد بوده است. در ضمن ذکر این مطلب ضروری است که با توجه به اینکه سهم عمده‌ای از گاو و گوساله پرورشده در کشتارگاه‌ها کشتار می‌شود کاهش این سهم در دو فصل اخیر می‌تواند حاکی از انباشت دام پرورشده در دامداری‌ها به دلایلی نظیر کاهش قیمت دام زنده یا کاهش تقاضا به علت قیمت بالای گوشت قرمز باشد. نتایج حاصل از این طرح‌های آمارگیری و بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که به دلیل تفاوت زیاد قیمت گوشت قرمز و دام زنده تمایل به خرید دام زنده و ذبح در خارج کشتارگاه‌ها افزایش یافته است. ۴- در متن گزارش با اشاره به اظهارات رئیس اتحادیه گوشت گوسفندی اعلام شده است که روزانه به صورت تقریبی بیش از ۳۵۰ هزار راس دام به صورت غیرمجاز از مرزهای غربی کشور خارج می‌شود که اطلاع درستی نمی‌تواند باشد به طوری که در ماه سال ۱۳۹۷، از خیرگزاری مهر اعلام شده که در ۸ ماهه ابتدای سال ۹۷ میزان ۹۲۶ هزار راس دام قاچاق شده است. ۵- آمارهای مختلفی در گزارش آورده شده است که به منابع استفاده شده آن اشاره نشده است. ۶- میزان عرضه گوشت در کشتارگاه‌ها بر اساس نتایج طرح جمع‌آوری کشتار دام کشتارگاه‌های کشور برای سال ۱۳۹۰، حدود ۳۹۰ هزار تن می‌باشد که در این گزارش ۳۴۷ هزار تن اعلام شده است.

سعید عباسی، مدیر کل دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین المللی

توضیح «فرهنگیختگان»

موضوع مجوری گزارش مذکور روزنامه، کاهش مصرف گوشت قرمز به واسطه کاهش قدرت خرید خانوار بوده که این موضوع غیرقابل انکاری است. اینکه بخشی از گوشت قرمز کشور خارج از شبکه کشتارگاهی کشور عرضه می‌شود، در گزارش «فرهنگیختگان» نفی ورد نشده است، چرا که ادعای نویسنده از کاهش تقاضای گوشت قرمز داخلی صرفاً با استناد به روند ۳۱ سال اخیر میزان عرضه گوشت قرمز در کشتارگاه‌های کشور (آمارهای مرکز آمار ایران) بوده است. در گزارش «فرهنگیختگان» آمده است وزن لاشه قابل مصرف انواع دام سنگین و سبک ذبح شده در کشتارگاه‌های کشور (داده‌های آمار مرکز آمار) در سال ۱۳۹۸ کمترین میزان عرضه از سال ۱۳۷۴ به بعد بوده است. حال اینکه آیا در سال‌های اخیر اتفاق بنیادینی رخ داده که بخش عظیمی از گوشت عرضه شده کشور خارج از شبکه کشتارگاهی کشور (ادعای مرکز آمار) ارائه می‌شود، این ادعا نیازمند تحقیق و پژوهش میدانی بیشتر و قابل اتکاتر است.



مهدی عبداللہی
دبیر گروه اقتصاد

روز شنبه مرکز آمار ایران جزئیات بیشتری از جدیدترین گزارش بازار کار در تابستان ۹۹ را منتشر کرد. این گزارش که سومین گزارش در شرایط کرونایی است، نکات جالب توجهی دارد. براساس گزارش اخیر، در تابستان سال جاری تعداد شاغلان کشور ۲۳ میلیون و ۵۴۲ هزار نفر بوده که نسبت به فصل تابستان ۹۸ حدود یک میلیون و ۲۱۰ هزار نفر کاهش نشان

کاهش ۱/۲ میلیونی تعداد شاغلان

براساس گزارش مرکز آمار ایران، در تابستان سال جاری تعداد شاغلان ۱۵ سال به بالای کشور ۲۳ میلیون و ۵۴۲ هزار نفر بوده که نسبت به تابستان سال ۹۸ تقریباً یک میلیون و ۲۱۰ هزار نفر کاهش داشته است. همچنین تعداد شاغلان فصل تابستان سال جاری از تعداد شاغلان تابستان ۹۷ (تعداد ۲۳/۹ میلیون نفر) و تابستان ۹۶ (۲۳/۸ میلیون نفر) نیز به ترتیب حدود ۴۰۰ و ۳۰۰ هزار نفر کمتر است.

اما بررسی داده‌های آماری مرکز آمار ایران نشان می‌دهد تعداد شاغلان ۲۲/۵ میلیون نفری تابستان امسال نسبت به تعداد ۲۲/۹ میلیون نفر تعداد شاغلان کشور بهار سال جاری افزایش حدود ۶۰۰ هزار نفری را نشان می‌دهد که این موضوع می‌تواند تا حدودی بیانگر کاهش نسبی آثار ویروس کرونا روی کسب‌وکارها در کشور باشد. در خصوص اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی نیز آمارها نشان می‌دهد در تابستان امسال از ۲۳/۵ میلیون نفر شاغل کشور، ۱۸/۵ درصد در بخش کشاورزی، ۳۳/۴ درصد در بخش صنعت و ۴۸/۱ درصد نیز در بخش خدمات فعال بوده‌اند. لازم به ذکر است این میزان در تابستان سال گذشته به ترتیب ۱۹ درصد، ۳۲ درصد و ۴۹/۱ درصد بوده است. این داده‌ها می‌تواند این امر است که در تابستان امسال و پس از شیوع کرونا از سهم بخش خدمات که از ویروس کرونا بیشترین آسیب را دیده (تعطیلی نسبی گردشگری و...) حدود یک درصد کاهش یافته و از سهم بخش کشاورزی نیز ۵ درصد کاسته است و ۱/۴ درصد به سهم بخش صنعت اضافه شده است. به نظر می‌رسد عدم تعدیل نیرو به شرط کاهش دستمزدها و برخی قواعد دولتی مبنی بر حفظ اشتغال از دلایل افزایش سهم بخش صنعت در اشتغال بوده است. اما نکته مهم‌تر دیگر، افزایش اشتغال ناشی از ضرورت‌های جدید است که به واسطه شیوع کرونا در کشور پدیدار شده است. تولید انواع وسایل و لوازم پزشکی، بهداشتی و درمانی در دوره کرونا همان ضرورت‌های مذکور است.

۶۲ درصد بیکارشدگان کرونایی زنان هستند

در تابستان سال جاری از مجموع ۶۲ میلیون و ۲۶۷ هزار نفر جمعیت بالای ۱۵ سال ایران، ۲۱ میلیون و ۱۲۸ هزار نفر از آنان مرد و ۳۱ میلیون و ۱۳۸ هزار نفر از آن نیز زن هستند. از مجموع ۳۱ میلیون و ۱۲۸ هزار نفر مرد بالای ۱۵ سال کشور، ۶۹/۵ درصد جزء جمعیت فعال (شاغل و بیکار) و ۳۰/۵ درصد نیز جزء جمعیت غیرفعال هستند. همچنین از ۲۱ میلیون و ۶۲۳ هزار نفری مرد، ۱۹ میلیون و ۸۷۱ هزار نفر شاغل و یک میلیون و ۷۵۱ هزار نفر نیز بیکار هستند. در بین زنان نیز از ۳۱ میلیون و ۱۳۸ هزار نفر زنان واقع در سن بالای ۱۵ سال، ۴ میلیون و ۳۹۵ هزار نفر را معادل ۱۴/۱ درصد آنان جزء جمعیت فعال و نزدیک به ۸۶ درصد جزء جمعیت غیرفعال قرار می‌گیرند. اما ۴ میلیون و ۳۹۵ هزار نفر نیروی فعال زن، ۳ میلیون و ۶۶۹ هزار نفر شاغل و ۷۲۵ هزار نفر نیز بیکار بوده‌اند.

«فرهنگیختگان» گزارش مرکز آمار درباره بیکاری را تحلیل می‌کند

شاغلان تابستان ۹۹ یک میلیون کمتر از ۹۸

زنان) در بخش غیررسمی فعالیت می‌کنند؛ در این وضعیت فرد به واسطه نداشتن حمایت‌های اجتماعی و تداوم رکود، ضمن از دست دادن شغل، با دلسردی از بازار کار خارج می‌شود که این وضعیت عامل کاهش نرخ بیکاری در شرایط فعلی کشور بوده است. شرایط مذکور در آمارهای تابستان امسال نیز به خوبی دیده می‌شود؛ چرا که در تابستان سال جاری در حالی نرخ بیکاری در کشور به ۹/۵ درصد رسیده که تعداد جمعیت فعال کشور نسبت به تابستان سال گذشته کاهش بیش از ۱/۶ میلیون نفری و تعداد جمعیت غیرفعال نیز افزایش ۲/۳ میلیون نفری داشته است.

منتخب، توضیح داده‌ایم که کاهش نرخ بیکاری در کشورمان عمدتاً به واسطه بازار غیرمتشکل و سطح بالای شاغلان غیررسمی و فاقد بیمه و سطح پایین حمایت‌های تامین اجتماعی رخ داده است، چرا که در اقتصادهایی که بازار کار متشکل تری بوده و اغلب شاغلان دارای بیمه بوده، در شرایط رکودی همچون وضعیت کرونایی، افراد بیکار با دریافت بیمه بیکاری از بازار کار خارج نشده و همچنان جزء بیکاران در جست‌وجوی کار محسوب می‌شوند، اما در ایران که به روایت مرکز پژوهش‌های مجلس به طور متوسط ۶۰ درصد شاغلان کشور (۵۹ درصد مردان و ۶۲ درصد

می‌دهد. البته همان‌طور که در ادامه می‌آید، طی تابستان سال جاری تعداد شاغلان کشور نسبت به بهار افزایش داشته که تا حدودی نشان از تعدیل آثار کرونا بر بازار کسب‌وکار در ایران است. مورد قابل بحث دیگر، کاهش نرخ بیکاری است؛ به طوری که طبق داده‌های مرکز آمار ایران در تابستان سال جاری نرخ بیکاری کشور به ۹/۵ درصد رسیده که این میزان کمترین نرخ بیکاری در ۱۴ فصل اخیر (از بهار ۹۶ به بعد) بوده است. این وضعیت یعنی کاهش نرخ بیکاری در ظاهر باید خوشایند باشد، اما در این گزارش با مقایسه وضعیت بیکاری در ایران با برخی کشورهای

علاوه بر مردانه شدن موضوع اشتغال در ایران، بررسی وضعیت اشتغال گروه‌های مردان و زنان در دوره شیوع ویروس کرونا نیز نکات جالب توجهی دارد، به طوری که طبق داده‌های آماری مرکز آمار ایران، از حدود یک میلیون و ۲۱۰ هزار نفری که در تابستان امسال نسبت به تابستان سال گذشته شغل خود را از دست داده‌اند، نزدیک به ۴۶۰ هزار نفر از آنان با معادل ۳۸ درصد از کل بیکار شده‌ها مرد و حدود ۷۵۰ هزار نفر از آنان با معادل ۶۲ درصد از کل بیکار شده‌ها نیز زنان تشکیل می‌دهند.

نرخ بیکاری کمترین نرخ در ۱۴ فصل اخیر!

بررسی تعداد شاغلان و بیکاران فصلی کشور طی ۱۴ فصل اخیر نشان می‌دهد تعداد شاغلان کشور از حدود ۲۳/۳ میلیون نفر در بهار ۹۶ به ۲۴/۱ میلیون نفر در بهار سال ۹۷ به ۲۴/۵ میلیون نفر در بهار ۹۸ و به ۲۲/۹ میلیون نفر در بهار ۹۹ رسیده است. همچنین در تابستان سال جاری نیز تعداد شاغلان کشور حدود ۲۳/۵ میلیون نفر بوده است. بررسی‌های فصلی موبد این موضوع است که با شیوع ویروس کرونا تعداد شاغلان کشور بین ۱/۲ میلیون تا ۱/۵ میلیون نفر کاهش یافته است. اما در سویی دیگر، آمارها نشان می‌دهد تعداد بیکاران کشور نیز طی ۱۴ فصل اخیر از حدود ۲/۳ میلیون نفر در بهار ۹۶ در بهار سال ۹۷ نیز بدون تغییر مانده، در بهار ۹۸ به ۲/۹ میلیون نفر رسیده و در بهار سال جاری نیز به ۲/۵ میلیون نفر تقلیل یافته است. همچنین در تابستان سال جاری نیز تعداد بیکاران بدون تغییر نسبت به بهار، همان ۲/۵ میلیون نفر بوده است. طی این مدت نرخ بیکاری نیز از حدود ۱۲/۵ درصد در بهار ۹۶ به ۱۲/۱ درصد در بهار ۹۷، به ۱۰/۹ درصد در بهار ۹۸ و ۹/۸ درصد در بهار ۹۹ رسیده است. همچنین در تابستان سال جاری نیز نرخ بیکاری با کاهش ۰/۳ درصدی به ۹/۵ درصد رسیده است. آمارهای مذکور نشان می‌دهد نرخ بیکاری در تابستان امسال کمترین نرخ بیکاری در کشور طی ۱۴ فصل اخیر بوده است.

۱/۶ میلیون بیکار دلسرد از بازار کار خارج شدند

نمودارهای پایانی، ترسیم‌کننده وضعیت تعداد کل جمعیت ۱۰ سال به بالا، جمعیت غیرفعال و جمعیت فعال (مجموع شاغلان و بیکاران) هستند. همان‌طور که آمارهای مذکور نشان می‌دهند، در تابستان امسال تعداد جمعیت ۱۵ سال به بالای کشور نسبت به تابستان سال گذشته افزایش ۶۸۵ هزار نفری داشته است. این افزایش در ظاهر می‌تواند منجر به افزایش جمعیت فعال شود، با این حال داده‌های آماری مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در تابستان سال جاری از جمعیت ۶۲ میلیون و ۲۶۷ هزار نفری ۱۵ سال به بالا، حدود ۳۶ میلیون و ۲۴۸ هزار نفر غیرفعال (نه شاغل و نه دنبال کار) و ۲۶ میلیون و ۱۸۰ هزار نفر نیز جزء جمعیت فعال (شاغل و بیکار) بوده‌اند. این وضعیت در حالی است که در تابستان سال گذشته از

۶۱ میلیون و ۵۸۲ هزار جمعیت بالای ۱۵ سال، حدود ۳۳ میلیون و ۹۳۶ نفر غیرفعال و ۲۷ میلیون و ۶۴۵ هزار نفر جزء جمعیت فعال بوده‌اند. به عبارتی دیگر در تابستان سال جاری با وجود افزایش ۶۸۵ هزار نفری جمعیت بالای ۱۵ سال کشور، جمعیت فعال کاهش یک میلیون و ۶۲۶ هزار نفر داشته و در سویی دیگر به جمعیت غیرفعال کشور ۲ میلیون و ۳۱۱ هزار نفر افزوده شده است. اما مرور این آمارهای کسل‌کننده چه فایده‌ای دارد، باید بگوییم آمارهای مذکور نشان می‌دهد یکی از دلایل کاهش نرخ بیکاری، خروج برخی بیکاران از بازار کار و پیوستن به خیل نامیدان یا افراد دلسرد از یافتن کار بوده است. به عبارتی دیگر این وضعیت را می‌توان با اثر «جویندگان دلسرد» بر بازار کار تحلیل کرد. اثر کارگران دلسرد توضیح می‌دهد که در دوران رکود بسیاری از افراد بیکار یافتن شغل را تقریباً غیرممکن می‌یابند و بنابراین منصرف می‌شوند. این کارگران به جای تحمل هزینه‌های مرتبط با فعالیت‌های جست‌وجوی شغلی بی‌ثمر، تصمیم می‌گیرند که از بازار رکودی و نیروی کار خارج شوند. نتیجه اثر جویندگان دلسرد این است که نرخ مشارکت نیروی کار روند دوره‌ای هم‌جهت با چرخه تجاری دارد و در زمان رکود کاهش یافته و در زمان رونق افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر این اثر باعث کاهش نرخ مشارکت در زمان رکود می‌شود.

چرا نباید از کاهش نرخ بیکاری خوشحال شویم؟

مرور داده‌های آماری پیشین در ظاهر حکایت از اتفاق خوشایندی دارد؛ چرا که نرخ بیکاری طی چهار فصل اخیر و به ویژه پس از شیوع کرونا به طور قابل توجهی کاهش یافته است، اما وقتی کاهش نرخ بیکاری را در کنار آمار تعداد شاغلان قرار می‌دهیم که نه تنها طی چند فصل اخیر و به ویژه در دوره کرونایی افزایش نیافته، بلکه کاهش ۱/۵ میلیون نفری در بهار امسال نسبت به بهار ۹۸ و کاهش ۱/۲ میلیون نفری در تابستان امسال نسبت به تابستان ۹۸ داشته، در آن صورت برای پیدا کردن دلایل کاهش نرخ بیکاری باید به دنبال شواهد دیگری باشیم. در کنار آمارهای اشتغال، مرور آمارهای جمعیت فعال و غیرفعال نیز شاهد دیگری برای ناخوشایند بودن کاهش نرخ بیکاری در کشور است؛ به طوری که طی تابستان امسال ۱/۶ میلیون نفر از جمعیت فعال کاسته شده و ۲/۳ میلیون نفر به جمعیت غیرفعال افزوده شده است. برای فهم بیشتر ناخوشایند بودن کاهش نرخ بیکاری در کشور کافی است یک مقایسه آماری بین نرخ بیکاری در قبل و بعد از شیوع ویروس کرونا در ایران با کشورهای دیگر داشته باشیم. بررسی‌ها نشان می‌دهد با شیوع کرونا در حالی نرخ بیکاری در ایران از ۱۰/۵ درصد در تابستان سال گذشته به ۹/۵ درصد در تابستان سال جاری رسیده که این میزان در آمریکا پس از شیوع کرونا ۳/۵ درصد از قبل از کرونا به ۱۳/۲ درصد در نیمه اول سال ۲۰۲۰ رسیده است. طی مدت مذکور در کانادا نیز این میزان از ۵/۵ به ۱۳ درصد، در استرالیا از ۵/۳ به ۶/۴ درصد، در فرانسه از ۸ به ۸/۷ درصد، در آلمان از ۳/۴ به ۳/۸ درصد

و در کره جنوبی نیز از ۳/۳ درصد به ۳/۸ درصد رسیده است. در این توضیح واکنش‌های بعضاً متضاد نرخ بیکاری به نوسانات اقتصادی در ایران، پژوهش‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد یکی از دلایل این موضوع، وضعیت ترکیب شغلی شاغلان کشور است؛ به گونه‌ای که از کل شاغلان ایران ۵۴/۶ درصد مزد و حقوق بگیر، ۳/۷ درصد کارفرما، ۳۶/۸ درصد کارکن مستقل، ۴/۹ درصد کارکن فامیلی بدون مزد هستند. این در حالی است که در کشورهایی همچون آمریکا از کل شاغلان کشور، نزدیک به ۹۴ درصد مزد و حقوق بگیر، ۶ درصد کارکن مستقل و کمتر از یک درصد نیز کارکن فامیلی بدون مزد هستند. در آلمان نیز ۹۰/۴ درصد از شاغلان جزء افراد مزد و حقوق بگیر، در فرانسه نزدیک به ۸۸ درصد، در کانادا نزدیک به ۸۵ درصد، در استرالیا ۸۳/۴ درصد و در کره جنوبی نیز بیش از ۷۵ درصد شاغلان جزء افراد مزد و حقوق بگیر هستند. در توضیح این تفاوت باید گفت در اقتصادهایی که دارای بازار کار متشکل تری هستند سهم کارکنان مزد و حقوق بگیر از مجموع شاغلان در این اقتصاد بسیار بالاست و مقایسه با اقتصادی که سهم کارکنان مزدور به نسبت کمتر است. در شرایط مشابه رکودی، در اقتصادی که بازار کار متشکل تری دارد، افراد حتی در صورت از دست دادن شغل خود غالباً از بازار کار خارج نشده و به حالت بیکار در جست‌وجوی کار تبدیل خواهند شد (معمولاً به دلیل وجود سیستم‌های تامین اجتماعی و بیمه‌های بیکاری). بنابراین تعداد بیکاران در این اقتصادها به دلیل تبدیل بخشی از جمعیت شاغل به بیکار افزایش می‌یابد و همچنین جمعیت غیرفعال و نرخ مشارکت اقتصادی نیز به دلیل عدم خروج از بازار کار بدون تغییر می‌ماند. اما در اقتصادهایی که همانند کشورمان بازار کار متشکل تری نداشته و درصد شاغلان مزد و حقوق بگیر و دارای بیمه تامین اجتماعی کم‌تر است، افراد بیکار شده در حالت رکود، از جمعیت شاغل و بیکار به جمعیت غیرفعال تبدیل می‌شوند؛ چرا که ماندن در وضعیت در جست‌وجوی کار، منافع برای افراد مزدور نداشته و شاید مشمول هزینه‌هایی هم‌بند. بنابراین در چنین شرایطی حتی ممکن است نرخ بیکاری با کاهش هم مواجه شود (برخلاف رکود موجود). همچنین شاخص‌های «نرخ مشارکت» و «نسبت اشتغال» هر دو با کاهش مواجه می‌شوند و به تعداد جمعیت غیرفعال افزوده می‌شود. این وضعیت می‌تواند که دلیل کاهش نرخ بیکاری در کشورمان در شرایط کرونایی را توضیح می‌دهد. همچنین لازم به ذکر است شرایط مذکور در بازار کار کشور همسایه ما یعنی ترکیه نیز کاملاً مصداق دارد، چرا که در دوره کرونایی، نرخ بیکاری در این کشور همانند ایران کاهش یافته و جالب‌تر اینکه وضعیت ترکیب شغلی شاغلان ترکیه تا حدودی شباهت‌هایی به شرایط کشورمان دارد، چرا که در این کشور نیز شاغلان مزد و حقوق بگیر ۶۸/۵ درصد از کل شاغلان را شامل می‌شوند، ۴/۵ درصد را کارفرمایان، ۱۶/۸ درصد را کارکن مستقل و ۱۰/۳ درصد از شاغلان را نیز کارکن فامیلی بدون مزد تشکیل می‌دهند.

